



سال اول. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۰۱

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

مفهوم‌شناسی عبارت «یروی عن الضعفاء»^۱ مهدي غلامعلي با تکیه بر عملکرد متقدمان

چکیده

رجالیان متقدم شیعه در بازشناسی ۲۱ نفر از راویان، از عبارت «یروی عن الضعفاء» استفاده کرده‌اند. مفهوم‌شناسی این عبارت در رجال فریقین، تعامل محدثان با راویان ناقل از ضعفاء، و تلازم یا عدم تلازم عبارت «یروی عن الضعفاء» با ضعف راوی، از مهم‌ترین مسائل پیش روی این پژوهش است. با بررسی عبارات هم‌نشین در کلمات رجالیان کهن روشن شد که این عبارت برای کسانی بوده که از ویژگی‌هایی چون «لا ابالی گری و تساهل در نقل»، «بی‌انضباطی و عدم پایبندی به قواعد نقل حدیث»، «عدم دقت در گزینش اساتید» و «نقل روایات عجیب و غریب» برخوردار بوده‌اند. رجالیان عامه حدود دو قرن پیش از شیعیان، برای راویانی با همین ویژگی‌ها از این اصطلاح استفاده کرده‌اند. احتمال دارد که درنگ در نقل از ضعفاء، فرهنگ عمومی محدثان فریقین بوده باشد. حساسیت در ناحیه استاد دغدغه مشترک حوزه حدیثی قم و بغداد بوده است و برای آنان تنها وثاقت راوی کافی نبوده، بلکه راوی باید از استاد ثقه نیز نقل روایت می‌کرده و یا دست‌کم، کثرت نقل روایت از استاد ضعیف نداشته باشد. اما در تعامل با احادیث راویان ناقل از اساتید ضعیف شاهد دو گونه برخورد هستیم: محدثان قمی در برهه‌ای قائل به عدم جواز نقل از ایشان هستند، و گروهی نیز مانند بغدادی‌ها، مشروط به وثاقت ایشان، نقل از این دسته از راویان را مجاز شمرده و احادیث آنها را معتبر می‌دانستند.

واژگان کلیدی: یروی عن الضعفاء، روایت از ضعفاء، تساهل در نقل، ضعف راوی، تضعیف قدما، جعفر بن محمد فزاری.

۱. استادیار گروه علوم حدیث دانشگاه قرآن و حدیث، قم gholamali.M@qhu.ac.ir



۱. درآمد

در بازخوانی منابع رجالی کهن درمی‌یابیم که رجالیان متقدم برای جرح و تضعیف راویان، معیارهای گوناگون و متفاوتی در حوزه‌های حدیث‌پژوهی، مذهب، اخلاق و رفتارشناسی راوی داشته‌اند. بخشی از معیارهای جرح و تضعیف ایشان در حوزه «حدیث‌پژوهی» راوی را می‌توان در سه بخش «ضعف در اسناد»، «ضعف در تألیف» و «ضعف در حدیث‌شناسی» راوی تحلیل کرد. آنچه برای گروهی از رجالیان بسیار مهم بوده، ضعف راوی در ناحیه اسناددهی بوده که بیش از همه در عبارت «نقل از ضعفاء» تبلور یافته است. اگر راوی در نسبت دادن حدیث، قوانین اسناددهی را رعایت نکند، از منظر محدثان و رجالیان، «ضعف در اسناد» دارد. گونه‌های مختلف این ضعف در منابع رجالی عبارت‌اند از: روایت از ضعفاء، روایت از مجاهیل و اعتماد به مراسیل.

این پژوهش برآن است تا با شیوه هم‌نشینی واژگان و بررسی وضع رجالی افرادی که با این عبارت توصیف شده‌اند، به این مهم دست یابد که مفهوم دقیق عبارت نقل از ضعفاء چیست؟ و آیا این عبارت با وثاقت راوی در نقل قابل جمع است؟ و رویکرد محدثان قم و بغداد با راویانی که به این ویژگی متصف شده‌اند، چه تفاوت‌هایی دارد؟ اهل سنت از این عبارت برای چه منظور در منابع رجالی بهره برده‌اند؟

۲. ناقلان از ضعفاء در منابع رجالی کهن

با نگاهی به منابع متقدم درمی‌یابیم که راویان در انتخاب اساتید خویش آزاد بوده‌اند، اما همگی از دقت و احتیاط یکسان در انتخاب استاد برخوردار نبوده‌اند. بیست‌ویک نفر از راویان در منابع رجالی متقدم شیعه به‌عنوان ناقلان از ضعفاء معرفی شده‌اند. بخشی از این اسامی در رجال ابن غضائری، و بخش دیگر در رجال نجاشی آمده است.

ابن غضائری (قرن ۵) دوازده نفر را به‌عنوان ناقل از ضعفاء شناسانده است: احمد بن محمد بن خالد برقی، اسماعیل بن مهران سکونی، ادريس بن زیاد، ابراهیم بن سلیمان بن عبد الله، جعفر بن مالک فزاری، حسن بن اسد طفاوی بصری، علی بن محمد بن جعفر عبسنة، محمد بن خالد برقی، محمد بن موسی بن عیسی سمان، محمد بن علی بن ابراهیم همدانی ابوسمینه،

معلی بن محمد بصری و محمد بن احمد بن خاقان قلانسی (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۸، ۵۲، ۸۱، ۹۳، ۹۵ و ۹۶).

نجاشی (م ۴۵۰ق) نیز ده نفر را با همین عبارت معرفی کرده است: احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن محمد بن جعفر جلودی، حسن بن محمد بن جمهور، علی بن سهل قزوینی، محمد بن حسان رازی، محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی، محمد بن مسعود عیاشی، محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی، محمد بن جعفر بن محمد اسدی کوفی و نصر بن مزاحم منقری (نجاشی، ۱۴۰۷: ۷۷، ۸۴، ۶۲، ۲۶۲، ۳۳۸، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۴۲۸).

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) نیز تنها از احمد بن محمد بن خالد در یکی از دو کتاب رجالی اش با این عنوان یاد کرده است (طوسی، بی تا: ۵۳، ش ۶۵). کشی (قرن ۴) که خود به نقل از ضعفاء متهم است، طبیعی است که کسی را با این ویژگی معرفی نکند، علاوه بر اینکه نظام کتابش هم اقتضای چنین مطالبی را ندارد؛ چه اینکه کتاب وی بیشتر به سبک طبقات نزدیک است تا سبک های جرح و تعدیل.

گفتنی است روایت از ضعفاء و شناسایی راویان ناقل از ضعفاء در کتاب های رجالی کهن عامه نیز به چشم می خورد. آنان حدود دو قرن پیش از شیعیان از این اصطلاح استفاده کرده اند. برخی از این توصیف ها در کلام حدیث پژوهان عامه در سده سوم آمده است. عقیلی (م ۳۲۲ق) در معرفی عثمان بن عبد الرحمن طرائفی از قول بخاری (م ۲۶۵ق) نقل می کند:

«عثمان بن عبد الرحمن الطرائفی، کان یسمع أحادیث طرائف فسمی بذلك، یروی عن قوم ضعاف.» (العقیلی، ۱۴۱۸: ۲۰۸/۳)

«عثمان بن عبد الرحمن طرائفی روایات طرائف را سماع کرد و بدان نیز شناخته و نامیده شد (طرائفی). وی از گروهی از اساتید ضعیف روایت می کند.»

ابن ابی حاتم رازی (م ۳۲۷ق) نیز در کتاب الجرح و التعدیل، در توصیف برخی از راویان - مانند عثمان بن عبد الرحمن طرائفی - از ائمه جرح و تعدیل پیشین، وی را با عبارت «یروی عن الضعفاء» شناسانده است (رازی، ۱۹۵۲: ۱۵۸/۶).

نظیر این عبارت را در توضیحات مداخل دیگر راویان از رجالیانی همچون ابن حبان (م ۳۵۴) (ابن حبان، ۱۴۱۲: ۳۰۱/۲)، عبد الله بن عدی جرجانی (م ۳۶۵ق) (ابن عدی،



۱۹۸۸: ۱۴۶/۶)، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) (خطیب بغدادی، ۱۹۹۷: ۸۶/۱۱)، ابن ماکولا (م ۴۷۵ق) (ابن ماکولا، بی‌تا: ۱۲۴/۷) و دیگران می‌توان مشاهده کرد.

چند احتمال می‌تواند محل تأمل باشد: نخست اینکه درنگ و تأمل در نقل از ضعفاء، فرهنگ عمومی محدثان فریقین بوده است. احتمال دوم آن است که ابتدا عامه از این اصطلاح و عبارت بهره بردند و سپس گروهی از شیعیان - به‌ویژه بغدادی‌ها که با عامه بیشتر مرتبط بودند - با الگوگیری از ایشان، از همین عبارت در شناساندن راویان استفاده کرده‌اند. احتمال سوم این است که رجالیان شیعه بدون توجه به عملکرد رجالیان عامه از چنین عبارتی استفاده کرده‌اند. این احتمال به دلیل گزارش‌هایی که از ارتباط دانشیان شیعی و عامه در دست است، قدری بعید می‌نماید، ولی دو احتمال دیگر قابل بررسی است که البته این پژوهش عهده‌دار تبیین آنها نیست.

۳. مفهوم «نقل روایت از ضعفاء» در رجال شیعه

از دو عبارت که در رجال ابن غضائری و نجاشی آمده، می‌توان معنای «یروی عن الضعفاء» را بهتر حدس زد. می‌دانیم که نجاشی و شیخ طوسی، «احمد بن محمد بن خالد برقی» را با عبارت «او به خودی خود فردی مورد اعتماد است، اما از اساتید ضعیف روایت نقل کرده است» معرفی کرده‌اند. همچنین ابن غضائری در معرفی برقی می‌نویسد:

«أحمد بن محمد بن خالد بن محمد بن علی البرقی یکنی أبا جعفر، طعن القمّیون علیه و لیس الطعن فیه، إنّما الطعن فی من یروی عنه فإنّه کان لا یبالی عمّن یأخذ علی طریقه أهل الأخبار. و کان أحمد بن محمد بن عیسی أبعده عن قم ثم أعاده إليها و اعتذر إلیه.» (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹)

«احمد بن محمد بن خالد بن محمد بن علی برقی، مکنی به أبو جعفر است. عالمان قمی وی را تضعیف کرده‌اند، حال آنکه ضعفی بر او نیست، بلکه ضعف بر اساتید برقی است که او از ایشان نقل روایت کرده است. برقی بر طریقه و روش اهل خبر در نقل حدیث، از هرکسی نقل روایت می‌کرد و رعایت نمی‌کرد که از چه کسی أخذ حدیث می‌کند. [او به همین دلیل] احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را از قم تبعید کرد و البته دوباره او را بازگرداند و از وی عذرخواهی کرد.»

از عبارت «علی طريقة أهل الأخبار» چنین می توان برداشت کرد که او مانند مورخان، در نقل مطلب دقت لازم را در اخذ خبر ندارد و از افراد ضعیف هم به راحتی نقل خبر می کند و بدین سان، شیوه متداول راویان و محدثان حدیث را رعایت نمی کند.

نجاشی نیز در ترجمه محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی می نویسد:

«محمد بن أحمد بن یحیی بن عمران بن عبد الله بن سعد بن مالک الأشعری القمی، أبو جعفر كان ثقة في الحديث. إلا أن أصحابنا قالوا: كان يروی عن الضعفاء ويعتمد المراسيل ولا يبالي عمن أخذ و ما عليه في نفسه مطعن في شيء.» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۴۸، ش ۹۳۹)

«ابو جعفر محمد بن أحمد بن یحیی بن عمران بن عبد الله بن سعد بن مالک اشعری قمی، در حدیث شخصیتی معتمد و ثقة بود. الا اینکه یاران ما (عالمان شیعه) گفته اند که [محمد بن احمد بن یحیی اشعری] از مشایخ ضعیف نقل روایت می کرد و به مراسیل اعتماد می کرد. و دقتی در نقل نداشت که از چه کسی حدیث اخذ می کند و چیزی بر وی در ضعف و طعن نیست.»

با توجه به دو عبارت بالا و همچنین مجموع عباراتی که در توصیف رجالیان ناقل از راویان ضعیف آمده، می توان دریافت که توصیف «نقل از ضعفاء» برای کسانی بوده که از ویژگی های زیر برخوردار بوده اند:

- لا ابالی گری و تساهل در نقل (همان).

- بی انضباطی و عدم پایبندی به قواعد نقل حدیث (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹).

- عدم دقت در گزینش اساتید (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۴۸، ش ۹۳۹).

- نقل روایات عجیب و غریب (طوسی، ۱۳۸۱: ۴۱۸، ش ۲).

- امکان جمع شدن وثاقت با نقل از ضعفاء. چه آنکه نجاشی در معرفی بیشتر راویان ناقل از ضعفاء، به وثاقت آنها تصریح کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۷۷، ۸۴، ۶۲، ۲۶۳، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲ و ۳۷۳).

۴. مفهوم نقل از ضعفاء در عامه

نظیر همین مفاهیم با قدری تفاوت در مفهوم شناسی این عبارت را می توان در منابع رجالی عامه یافت. در بازخوانی استعمالات رجالیان اهل سنت از عبارت «یروی عن الضعفاء»، مفاهیم زیر یافت شد:





روایات راویانِ ناقل از اساتیدِ ضعیف، معمولاً روایاتِ غریب، مُنکر و بسیار ضعیف است که برخی از آنها در شمار مُنفَرِدات است (خطیب بغدادی، ۱۹۹۷: ۸۶/۱۱، ابن حبان، ۱۴۱۲: ۳۰۱/۲). برخی از مُدَلِّسین با نقل از ضعفاء و تدلیس در نام ایشان - مثلاً به جای ذکر نام استاد ضعیف، کنیه یا نام دیگری از وی بیان می‌کنند - سعی در مخفی کردن عیب حدیث خویش دارند (ابن جوزی، ۱۹۶۶، ۱۶۷/۱).

تدلیس در نام استاد راوی، مانع از صداقت مُدَلِّس نمی‌شود؛ مانند حجاج بن أرقطه که صدوق است، ولی در نقل از ضعفاء، تدلیس هم می‌کند (رازی، ۱۹۵۲: ۱۵۶/۳). نقل از ضعفاء و نقل از مجاهیل با هم چندان تفاوتی ندارند و تقریباً یکی است (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۲۷۸/۸).

روایت از ضعفاء با صداقت (رازی، ۱۹۵۲: ۵۶/۲، ۱۵۸/۶؛ ابن ماکولا، بی‌تا: ۱۲۴/۷) و وثاقت (رازی، ۱۹۵۲: ۴۵۹/۸) راوی قابل جمع است. بنا بر آنچه گذشت، نقل از ضعفاء در فریقین لزوماً ربطی به ویژگی‌های شخصیتی راوی و صدق و کذب وی ندارد، بلکه تنها بیانگر ضعف وی در «حوزه حدیث‌پژوهی» است.

۵. اختلاف مکتب قم و بغداد در نقل از ضعفاء

همت رجالیان بر این بوده که خصوصیات دو گروه را بیشتر نشان دهند. گروه نخست کسانی هستند که روش و منش آنها نقل از ثقات و گزارش احادیث صحیح بوده است؛ مانند مشایخ ثقات - صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر و بزئطی - (طوسی، ۱۳۷۶: ۱۵۴/۱)، اصحاب اجماع، جعفر بن بشیر (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱۹، ش ۳۰۴) و محمد بن اسماعیل بن میمون (همان، ۳۴۶، ش ۹۳۳). و گروه دوم راویانی که در استادگزینی احتیاط لازم را نداشته‌اند. و بی‌تردید کسانی که از اساتیدِ ضِعاف کثرت نقل دارند، در استادگزینی موفق نبوده‌اند.

به نظر می‌رسد حساسیت در ناحیه استاد، دغدغه مشترک حوزه حدیثی قم و بغداد بوده است. برای آنان تنها وثاقت راوی کافی نبوده، بلکه راوی باید از استاد ثقه نیز نقل روایت می‌کرده است. و یا دست‌کم کثرت نقل روایت از استاد ضعیف نداشته باشد.

با توجه به گزارش‌هایی که در منابع رجالی به چشم می‌خورد و همچنین اسناد روایات محدثان، می‌توان دریافت که بخش قابل توجهی از قمی‌های نیمه دوم سده سوم و سده چهارم، از نقل روایات - به‌ویژه روایات فقهی - از این دسته راویان پرهیز می‌کنند.

بنا بر اسناد موجود، مهم‌ترین دلیل برخورد احمد بن محمد بن عیسی اشعری با راویانی چون برقی (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹) و سهل بن زیاد (همان، ۶۷) که به تبعید ایشان انجامید، همین بی‌دقتی در نقل روایت بوده است. این نکته دقیقاً در استثنائات مشهور ابن ولید از روایات کتاب نوادر الحکمة^۱ محمد بن احمد بن یحیی دیده می‌شود. ابن ولید روایات محمد بن احمد بن یحیی از تنی چند از اساتیدش را^۲ به جهت ضعف استثناء کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۴۸، ش ۹۳۹). شیخ صدوق هم از ابن ولید در این موضوع به‌طور کامل پیروی کرده است و تنها در یکی از مصادیق (محمد بن عیسی بن عبید) به جهت وثاقتش با استادش هم‌داستان نیست (همان).

اما محدثان و رجالیان مقیم بغداد ظاهراً وثاقت راوی با نقل از ضعفاء را دو مقوله مستقل و کاملاً جدا از هم می‌دانستند. خواهیم گفت بیشتر راویانی که به این صفت در رجال نجاشی توصیف شده‌اند، به تصریح وی، از وثاقت در نقل روایت برخوردارند. آنان ضمن پذیرش نوعی ضعف در ناحیه دانش حدیثی راوی، اما در نقل از ایشان منعی نمی‌دیدند. البته این را هم باید توجه داشت که اگرچه بغدادی‌ها نقل از ضعفاء را مغایر وثاقت راوی نمی‌دانند، ولی در نقل از ضعاف، ترجیح می‌دادند که با واسطه یک راوی ثقه از راوی ضعیف نقل کنند تا خود متهم به نقل از ضعفاء نشوند. نجاشی در خصوص ابو مفضل شیبانی پس از آنکه وی را تضعیف می‌کند، می‌نویسد: «رأیت هذا الشيخ و سمعت منه كثيراً ثم توقفت عن الرواية عنه إلا بواسطة بيني وبينه» (همان، ۳۹۶، ش ۱۰۵۹)؛ «این استاد را من دیدم و احادیث بسیاری از او شنیدم، اما در نقل روایت از او توقف کردم، مگر آنکه به واسطه یک راوی بین خود و او، از وی روایت می‌کنم».

بنابراین محدثان و رجالیان متقدم شیعه در تعامل با احادیث راویان ناقل از اساتید ضعیف دو گونه برخورد داشته‌اند: گروهی مانند قمی‌ها قائل به عدم جواز بودند، و گروهی نیز مانند بغدادی‌ها، مشروط به وثاقت ایشان، نقل از ایشان را مجاز می‌شمردند.^۳



۶. تلازم یا عدم تلازم نقل از ضعفاء با وثاقت راوی در کلام نجاشی

تقریباً تمام کسانی را که نجاشی ناقل از ضعفاء می‌داند، با عباراتی ویژه توسط خود وی توثیق شده‌اند. تنها محمد بن حسان رازی را با عبارت «يُعَرَّفُ وَيُنْكَرُ بَيْنَ بَيْنٍ» توصیف کرده است. با دقت در الفاظ هم‌نشین با «یروی عن الضعفاء»، به نظر می‌رسد که نجاشی نیز توثیق کامل یک راوی را هنگامی می‌داند که در نقل روایت و گزینش استاد توانمند باشد؛ چه اینکه او در تمام توثیقات این نه نفر قرآینی آورده که وثاقت راوی را تنها در نقل مطلب می‌رساند. گو اینکه او وثاقت مطلق و کامل - و بدون خدشه - را در توصیف راویان وقتی می‌داند که راوی نه تنها از حیث نقل روایت ثقه باشد، بلکه در گزینش استاد نیز از ضعفاء یا نقل نکند و یا اندک نقل روایت داشته باشد.

به عنوان نمونه، وی برای «احمد بن محمد بن خالد برقی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۷۷، ش ۱۸۲)، حسن بن محمد بن جمهور (همان، ۶۲، ش ۱۴۴) و علی بن سهل قزوینی (همان، ۲۶۳، ش ۶۸۸)»، عبارت «ثقة في نفسه»، و برای «احمد بن محمد بن جعفر جلودی (همان، ۸۴، ش ۲۰۲)، محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی (همان، ۳۴۸، ش ۹۳۹) و محمد بن جعفر بن محمد اسدی کوفی (همان، ۳۷۳، ش ۱۰۲۰)»، عباراتی را که بیانگر وثاقت در نقل حدیث می‌باشد، آورده است.^۴ در توصیف برخی از راویان نیز پس از یادکرد وثاقت، این توثیق را با ادات استثناء مقید کرده و سپس نقل از ضعفای ایشان را به رخ کشانده است.

نمونه ۱: محمد بن أحمد بن یحیی بن عمران بن عبد الله بن سعد بن مالک الأشعری القمی، أبو جعفر. كان ثقة في الحديث، إلا أن أصحابنا قالوا: كان يروی عن الضعفاء ويعتمد المراسيل (همان، ۳۴۸، ش ۹۳۹).

نمونه ۲: محمد بن جعفر بن محمد بن عون الأسدي أبو الحسين الكوفي، ساكن الرّی، يُقال له محمد بن أبي عبد الله، كان ثقة صحيح الحديث إلا أنه روى عن الضعفاء (همان، ۳۷۳، ش ۱۰۲۰).

۷. گونه‌های استثناء در توثیقات در کلمات رجالیان

معمولاً رجالیان کهن نظیر کشی و نجاشی، پنج گونه استثناء در توثیق دارند؛ یعنی گاه عبارت ثقة را در توصیف راوی گفته، ولی با عباراتی صریح نظیر «إلا» یا «غیر» یا به صورت اجمالی،

توثیق را به گونه ای استثناء زده اند. پنج گونه استثناء ایشان را می توان در این امور دانست: «فساد مذهب» (همان، ۷۴، ش ۱۷۹؛ ۲۱، ش ۳۰؛ ۲۴، ش ۳۷؛ ۴۱، ش ۸۴)، «اختلاط [با عامه و غیر آن]» (همان، ۲۰۸، ش ۵۵۱؛ ۳۹۶، ش ۱۰۵۹)، «جنبه های مختلف علمی» (همان، ۶۸، ش ۱۶۵؛ ۷۶، ش ۱۸۱؛ ۸۴، ش ۲۰۲؛ ۹۹، ش ۲۲۹)، «شبهات پیرامونی فرد» (همان، ۳۲۹، ش ۸۹۱) و «ضعف مشایخ» (همان، ۳۴۸، ش ۹۳۹؛ ۳۷۳، ش ۱۰۲۰). بعید نیست که همین گونه استثنائات در عبارات توثیقی نجاشی، سبب شده باشد که برخی از دانشمندان بر این گمانه استوار شوند که توثیقات مطلق و بدون استثناء نجاشی، صحت مذهب و وثاقت اساتید ایشان را نیز دربر دارد.^۵

۸. تلازم یا عدم تلازم نقل از ضعفاء با ضعف راوی در کلام ابن غضائری

ابن غضائری بر خلاف نجاشی، نه تنها هیچ کدام از ناقلان روایت از ضعفاء را توثیق نکرده، بلکه با الفاظ دیگری نیز بر تضعیفات ایشان افزوده است. البته غالب این افراد را دیگر رجالیان کهن نیز تضعیف کرده اند. نجاشی در تضعیف جمعی از ایشان بیشتر به وجه ضعف در نقل روایت پرداخته و روایات ایشان را دارای اضطراب دانسته است. نجاشی، فزاری، محمد بن خالد برقی، علی بن محمد عنبسه، معلی بن محمد بصری و محمد بن احمد قلانسی را ضعیف در حدیث و یا مضطرب الحدیث خوانده است (همان، ۱۲۲، ش ۳۱۳؛ ۲۶۲، ش ۶۸۶؛ ۳۳۵، ش ۸۹۸؛ ۴۱۸، ش ۱۱۱۷؛ ۳۴۱، ش ۹۱۴).

برخی از افرادی که ابن غضائری با عبارت یروی عن الضعفاء معرفی کرده است، نجاشی و شیخ طوسی ایشان را تنها در «نقل حدیث» توثیق کرده اند. اسماعیل بن مهران سکونی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶، ش ۴۹؛ طوسی، بی تا: ۲۷، ش ۳۲)، ادريس بن زیاد کفرثوثنائی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۰۳، ش ۲۵۶) و ابراهیم بن سلیمان بن عبدالله (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸، ش ۲۰؛ طوسی، بی تا: ۱۵، ش ۸)، افرادی هستند که در نظر ابن غضائری نقل از ضعفاء داشته اند، چه بسا با عنایت به همین ضعف، نجاشی و طوسی به بررسی روایات ایشان پرداخته و آنان را در نقل حدیث ثقه دانسته اند.



۹. بررسی رابطه نقل از ضعفاء با وثاقت در نمونه موردی «جعفر بن مالک فزاری»

تنها فردی که در این میان با عبارات دوگانه‌ای از وی یاد شده است، «جعفر بن مالک فزاری» است. پژوهش موردی درباره فزاری به‌عنوان کسی که تقریباً بیشترین تضعیف را در میان بیست‌ویک نفر راوی ناقل از ضعفاء دارد، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که وی را می‌توان باوجود نقل از ضعاف، توثیق کرد. توصیفات رجالیان را از نظر می‌گذرانیم.

توصیف ابن غضائری:

«جعفر بن محمد بن مالک بن عیسی بن سابور مولی مالک بن أسماء بن خارجه الفزاری أبو عبد الله. کذاب متروک الحديث جملة و في مذهبه ارتضاع و يروي عن الضعفاء و المجاهيل و کلّ عيوب الضعفاء مجتمعة فيه.» (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۴۸)

توصیف نجاشی:

«جعفر بن محمد بن مالک بن عیسی بن سابور، مولی أسماء بن خارجه بن حصن الفزاری کوفی أبو عبد الله کان ضعيفاً فی الحديث قال: أحمد بن الحسين کان يضع الحديث وضعاً و يروی عن المجاهيل و سمعت من قال: کان أيضاً فاسد المذهب و الرواية و لا أدري كيف روى عنه شيخنا النبيل الثقة أبو علی بن همام و شيخنا الجليل الثقة أبو غالب الزراري رحمهما الله و ليس هذا موضع ذكره» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۲۲، ش ۳۱۳)

شیخ طوسی در کتاب فهرست تنها به نام فزاری و اثر وی اشاره کرده، ولی در الرجال می‌نویسد: «جعفر بن محمد بن مالک کوفی ثقة و يضعفه قوم، روى فی مولد القائم أعاجيب.» (طوسی، ۱۳۸۱: ۴۱۸، ش ۲)

فزاری از نگاه ابن غضائری، در اوج ضعف - وضع حدیث - قرار دارد. البته می‌دانیم فساد مذهب و غلو مهم‌ترین مبنای ابن غضائری در تضعیفات است. اما نجاشی وی را دست‌کم در نقل حدیث ضعیف می‌شمارد وضع حدیث او را از زبان ابن غضائری گزارش می‌کند. اما در عجب است که چرا بزرگان و اساتیدی چون ابو غالب زراری (م ۳۶۸ق) از وی نقل روایت کرده‌اند. او همچنین معتقد است که فزاری فاسد الروایه است. وجه تضعیف ابن غضائری فساد مذهب است، چه اینکه او حتی متهمان به غلو را نیز تضعیف می‌کند. اما سخن نجاشی قابل تأمل است. ابو غالب زراری که از راویان بزرگ شیعه است، در ابتدای دوران تحصیل خود تحت سرپرستی فزاری بوده و در ضمن نام بردن از مشایخ خود می‌نویسد:

«... جعفر بن محمد بن مالک الفزاری البزاز، وكان كالذی ربّانی - لأنّ جدّی محمد بن سلیمان حين أخرجنی من الكتاب جعلنی فی البزازین عند ابن عمّه الحسین بن علی بن مالک - وكان أحد فقهاء الشيعة وزهادهم» (زراری، ۱۴۱۱: ۳۹-۴۰)

«... من از علی بن سلیمان - عموی پدرم -، محمد بن جعفر رَزّاز - دایی پدرم -، احمد بن ادريس قمی، احمد بن محمد عاصمی و جعفر بن محمد بن مالک فزاری بَزّاز حدیث شنیدم. جعفر بن محمد بن مالک فزاری مانند کسی است که مرا تربیت کرده است - چراکه وقتی جدّم محمد بن سلیمان من را از مکتب خانه بیرون آورد، به منطقه بزازین نزد پسر عمویش حسین بن علی بن مالک برد - و او یکی از فقهاء و زاهدان شیعه بود»

بنا بر این توصیف، فزاری از فقیهان و زاهدان شیعه بوده است.^۶

به نظر می‌رسد نجاشی و طوسی با بررسی روایات وی به توصیف وی پرداخته‌اند و ابوغالب نیز با شناخت اوصاف علمی و شخصیتی وی او را بزرگ می‌داند. مؤید این برداشت، عبارت تکمیلی طوسی است. شیخ طوسی اگرچه او را توثیق کرده، اما هم از تضعیف وی توسط گروهی از شیعیان سخن گفته، و هم ضعف روایت وی در مسأله تولد امام عصر علیه السلام را برملا کرده است. این عبارات به خوبی نشانگر بررسی محتوایی روایات توسط قدماست.

توصیفات متفاوت درباره فزاری در منابع رجالی کهن، حکایتگر اختلافی دیرینه است. شاید تعداد اندک روایات وی در کتب اربعه (۵۵ روایت با تکرار)، نشانی از رویگردانی قدما از وی بوده باشد (نک: نرم افزار درایة النور/ اسناد/ راوی). جالب اینجاست که صدوق - که برخاسته از مکتب قم است - در کتاب من لا یحضره الفقیه تنها یک روایت از او نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۴۰۲/۴، ح ۵۸۶۷)^۷ و حال آنکه در دیگر آثارش، به‌ویژه در کمال الدین و روایات مهدویت - که فزاری متهم به نقل اعاجیب است -، روایات متعددی را از او آورده است (ابن بابویه، ۱۴۰۵: ۳۴۵/۲، ح ۳۰؛ ۳۴۶، ح ۳۳؛ ۳۵۸، ح ۵۷؛ ۳۷۰، ح ۲؛ ۴۰۸، ح ۶؛ ۴۳۵، ح ۲ و ...). از جمله روایات فزاری در کمال الدین، پیشگویی معصومان و تصریح ایشان به سال ۲۶۰ ق به عنوان زمان تفرقه شیعه است (همان، ۴۰۸، ح ۶). همچنین روایت مشهور چهل نفری که امام حجت را دیده‌اند نیز محمد بن یحیی العطار از فزاری و او از سه نفر از بزرگان همچون محمد بن عثمان عمری نقل کرده است (همان، ۴۳۵، ح ۲).



کلینی نیز در کافی روایات متعددی از او نقل کرده که غالب آنها در تهذیبین تکرار شده است (نک: نرم افزار درایة النور/ اسناد/ راوی). روایات کلینی در موضوعات مختلف (فقه، اخلاق و کلام) است. اما جالب اینجاست که متن این روایات فاقد اندیشه غالبانه بوده و مطابق با اندیشه متعارف شیعه امامیه بغداد و قم است. نکته قابل توجه اینکه کلینی در موضوع مهدویت، غیبت و نص بر امامت امام عسکری و امام عصر علیه السلام، روایات زیبایی را از او گزارش کرده که هیچ‌کدام عجیب نمی‌نمایاند (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۲۵/۱، ح ۲؛ ۳۲۸، ح ۳؛ ۳۳۳، ح ۳؛ ۳۳۵، ح ۱؛ ۳۳۷، ح ۶؛ ۳۳۸، ح ۹ و ...). شاید مراد از اعاجیب، پیشگویی و کرامات باشد.

اما در علم رجال، اختلاف نظر متقدمان به متأخران نیز سرایت کرده است. علامه حلی نیز پس از بیان اختلاف‌ها، درباره فزاری توقف کرده و به روایاتش عمل نمی‌کند (حلی، ۱۴۱۱: ۲۱۰، ش ۳). رجالی معاصر، آیت الله خویی نیز پس از بیان توثیقات و تضعیفات مقبول و هم‌افق با مبانی‌اش، به ناچار در تعارض بین جرح و تعدیل، حکم به وثاقت وی را ممکن نمی‌داند (خویی، ۱۳۶۹: ۱۱۸/۴، ش ۲۲۷۹). البته برنامه‌نویسان درایة النور که گفته می‌شود منعکس‌کننده اندیشه‌های رجالی آیت الله شبیری زنجانی هستند، فزاری را فردی «امامی، ثقة و جلیل» دانسته‌اند (نک: نرم افزار درایة النور/ اسناد/ راوی).

در میان رجالیان متأخر، کامل‌ترین بحث را مامقانی در تنقیح المقال انجام داده است (مامقانی، ۱۴۲۳: ۵۲-۴۱/۱۶). او ضمن به چالش کشیدن غلوهای ادعایی ابن غضائری، بر این باور است که نجاشی نیز در این ترجمه تحت تأثیر وی بوده است. مامقانی تنها دلیل تضعیف وی را نقل معجزات و به‌ویژه مطالب مربوط به میلاد امام عصر علیه السلام می‌داند. او که روایات فزاری را بررسی کرده است، روایتی را عجیب ندیده و نقل معجزات را از او بسیار طبیعی می‌شمارد که از ویژگی‌های التزامی هر معجزه‌ای، اعجاب‌انگیزی آن است. البته مامقانی به این اشکال پاسخ نداده است که چه بسا بخشی از روایات غالبانه در مجموعه روایات فزاری بوده که در پالایش‌های مؤلفان حذف شده است. و یا اینکه مؤلفان روایات مقبول او را نقل و از روایات ضعیف او رویگردان شده باشند. به هر روی، مامقانی نظر به روایات موجود دارد و وضعی در محتوای روایات باقیمانده در منابع روایی از او نمی‌بیند.

۹-۱. دلایل مامقانی برای توثیق «جعفر بن مالک فزاری»

مامقانی دلایل متعددی را برای توثیق فزاری بیان داشته است که مهم می نمایاند. در اینجا به چند دلیل وی اشاره می کنیم:

- شاگردی و روایت کردن دو شخصیت عالم، حدیث شناس و بزرگ چون ابوعلی بن همام و ابو غالب زراری از وی؛ چه اینکه اگر او نقصانی داشت، شاگردانی ثقه و بزرگ چون ایشان نباید از او نقل روایت می کردند.

۴۹



سال اول. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۸

- روایت کردن همین مطالب به ظاهر عجیب توسط شیخ صدوق در کمال الدین.

- علی بن احمد مشهور به ابوالقاسم کوفی (م ۳۵۲ق) در کتاب الاستغاثة فی بدع الثلاثه این گونه از او یاد می کند: «حدَّثنا جماعه من مشايخنا الثقات منهم جعفر بن محمد بن مالک الکوفی».^۸

- کثرت نقل مشایخی همچون ابن عقده و بزوفری از وی.

- تعجب مجلسی از اعجاب نجاشی که چرا روایت بزرگانی چون ابوغالب را نادیده گرفته و سخنان جاهلان و یا ابن غضائری را پذیرفته است.

- نقل روایات اعاجیب فزاری توسط دیگر مشایخ ثقات از دیگر راویان.

- منشأ تضعیف نجاشی، سخن ابن غضائری بوده و یا در نهایت اگر منشأ دیگری داشته، همان نقل روایات اعاجیب است؛ چه اینکه نجاشی او را در نقل حدیث که متضمن اعاجیب باشد، تضعیف کرده است. بنابراین بایسته است که وی را در دیگر نقل ها ثقه بداند.

- استثنای روایات فزاری توسط محمد بن ولید از روایات محمد بن احمد بن یحیی، از ناحیه نقل ابن یحیی مشکل دار است، نه به خاطر قدح موجود در این افراد. مؤید این نظریه این است که اگرچه صدوق با ابن ولید در این نظریه هم داستان است، اما روایات متعددی از فزاری - در غیر نقل ابن یحیی از او - گزارش کرده است.

مامقانی در پایان مجموعه ای از ادله - که خلاصه مهم ترین آنها گذشت - تصریح می کند بر پایه این ادله، روشن است که فزاری فردی ثقه و مورد اعتماد است (مامقانی، ۱۴۲۳: ۴۸/۱۶).

با توجه به روایات موجود و آنچه که گفته شد - به ویژه ادله جناب مامقانی - باوجود آنکه جعفر بن محمد بن مالک فزاری نقل از ضعفاء داشته، می توان به روایات او عمل کرد و او را ثقه دانست.



۱۰. نقل شاگردان ضعیف از استاد

در اینجا اشاره به نکته‌ای خالی از لطف نیست. رجالیان کهن در چند مورد به ضعف شاگردان راوی نیز اشاره کرده‌اند. طبیعی است که وقتی ضعف در ناحیه استاد به وثاقت راوی ضرر نمی‌رساند، به طریق اولی ضعف در ناحیه شاگردان نیز الزاماً به وثاقت راوی آسیبی وارد نمی‌کند؛ هرچند در مواردی می‌تواند تردیدهایی را ایجاد کند.

اما چرایی این‌گونه اشاره‌ها شاید از این‌رو است که رجالیان می‌خواستند تا بدین‌سان، فضای علمی یا مذهبی پیرامونی یک راوی را برای خوانندگان ترسیم کنند. به‌عنوان نمونه، در توصیف «حسن بن اسد طفاوی بصری» آمده است که «یروی عن الضعفاء و یروون عنه» (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۵۲، ش ۹). این عبارت به‌خوبی بیانگر لایبالی‌گری راوی در نقل آموزه‌هاست؛ به‌گونه‌ای که شاگردان پیرامونی وی نیز نظیر اساتیدش ضعیف بوده‌اند.

اما گاه غالیان هسته اصلی شاگردان یک راوی را شکل می‌داده‌اند. طبیعی است که بحث غلو با راوی ضعیف متفاوت است؛ چه اینکه غالی به دنبال تفکر غالیانه است و این‌گرایش فکری او را به سمت خاصی هدایت می‌کند. توجه به توصیف یکی از راویان - که چنین ویژگی را دارد - مغتنم است: «جعفر بن محمد بن مفضل کوفی. یروی عنه الغلاة خاصة. و ما رأیت له قطّ رواية صحيحة. و هو متهم فی کلّ أحواله.» (همان، ۴۷، ش ۲۴)

نظیر این‌گونه توصیف درباره «داود بن کثیر رقی»^۹ و «جابر بن یزید جعفی»^{۱۰} نیز آمده است. به هر روی اگر فقط از یک استاد، شاگردانی غالی نقل روایت کنند، چنین استادی متهم به غلو یا متهم به نقل احادیث مشکل‌دار است. به بیان دیگر، روشن می‌شود که سخنان این‌گونه اساتید خوشایند غلات بوده است.

گاهی نیز کتابی چنین ویژگی را می‌یابد که تنها گروهی با سلیقه‌ای خاص از آن نقل روایت کرده‌اند.^{۱۱} این‌گونه کتاب‌ها نیز محل تأمل هستند.

نتیجه‌گیری

عبارت «یروی عن الضعفاء» در منابع رجالی متقدم جهت شناسایی بیست و یک نفر از راویان آمده است. این اصطلاح یکی از معیارهای جرح و تضعیف متقدمان در حوزه «حدیث پژوهی» راوی است.

کتاب‌های رجالی کهن عامه حدود دو قرن پیش از شیعیان از این اصطلاح استفاده کرده‌اند. بنابراین احتمال دارد که درنگ در نقل از ضعفاء، فرهنگ عمومی محدثان فریقین بوده باشد و یا اینکه ابتدا عامه از این اصطلاح و عبارت بهره بردند، سپس گروهی از شیعیان - به‌ویژه بغدادی‌ها که با عامه بیشتر مرتبط بودند - با الگوگیری از ایشان، همین عبارت را در شناساندن راویان به کار برده باشند.

از بررسی استعمال عبارت «یروی عن الضعفاء» و عبارات همنشین آن در منابع رجالی شیعه، می‌توان دریافت که این توصیف برای کسانی بوده که این ویژگی‌ها را داشته‌اند: «لا ابالی گری و تساهل در نقل»، «بی انضباطی و عدم پایبندی به قواعد نقل حدیث»، «عدم دقت در گزینش اساتید» و «نقل روایات عجیب و غریب». نظیر همین مفاهیم با قدری تفاوت، در مفهوم‌شناسی عامه نیز از این عبارت برداشت می‌شود.

حساسیت در ناحیه استاد، دغدغه مشترک حوزه حدیثی قم و بغداد بوده و برای آنان تنها وثاقت راوی کافی نبوده است، بلکه راوی باید از استاد ثقة نیز نقل روایت می‌کرده و یا دست‌کم، کثرت نقل روایت از استاد ضعیف نداشته باشد. اما در تعامل با احادیث راویان ناقل از اساتید ضعیف شاهد دو گونه برخورد هستیم: محدثان قمی قائل به عدم جواز نقل از ایشان هستند، و گروهی نیز مانند بغدادی‌ها، مشروط به وثاقت ایشان، نقل از این دسته از راویان را مجاز شمرده و احادیث آنها را معتبر می‌دانند.

در بررسی انجام شده دریافتیم که عبارت «یروی عن الضعفاء» با «عدم وثاقت» راوی تلازم ندارد و جمعی از ایشان اگرچه در حوزه حدیث پژوهی ضعیف هستند، اما در نقل روایت معتمد می‌باشند. برای این منظور، ضمن کاوش در عموم متون رجالی مُعرّف این گروه از راویان، به‌صورت موردپژوهی، متون مربوط به فزاری را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدیم باوجود آنکه عبارات تضعیف وی گسترده بوده و نقل از ضعفاء نیز داشته است، در نقل روایت، فردی ثقة و قابل اعتماد است.



پی‌نوشت‌ها

۱. در متن نجاشی نام نوادر نیامده، بلکه استثناء از روایات وی بیان شده است، ولی ابن غضائری این استثنائات را از نوادر وی دانسته است (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۵، ۹۷ و ۱۰۳).
۲. گفتنی است تمام افرادی که در استثناء مشهور ابن ولید آمده‌اند، در شمار اساتید مستقیم و بی‌واسطه محمد بن احمد بن یحیی قرار ندارند، بلکه نام آنها در ابتدای اسناد کتاب وی بوده است. کتاب نوادر محمد بن احمد بن یحیی به دلیل استقبال خوب قمی‌ها، بسیار پرنسخه و در اختیار بسیاری از قمی‌ها بوده است و از آنجا که در این کتاب همه چیز بوده، قمی‌ها به طنز آن را دبه شیب می‌خواندند. دبه همان پستوی مغازه بوده که فردی شیب نام در قم در پستوی مغازه‌اش همه چیز داشته است. ابن ولید وقتی استقبال قمی‌ها را دید، بخشی از روایات آن را که اسامی افرادی بود، از آن استثناء و بقیه روایاتش را صحیح شمرد.
۳. پیشینه برخورد اهل سنت با روایانی که نقل از ضعفاء دارند، متفاوت و مبنایی است. دست‌کم سه دیدگاه وجود دارد: یک) جواز نقل از راوی‌ای که از ضعفا روایت می‌کند مطلقاً؛ مانند سفیان ثوری (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۲۷۸/۸). دو) جواز نقل از راوی‌ای که از ضعفا روایت می‌کند، مشروط به اینکه در روایتی که نقل می‌کند، از ثقه نقل کند، و همچنین شاگردانش نیز ثقه باشند (ابن عدی، ۱۹۸۸: ۱۴۶/۷). بنابر این روایاتی که نقل از ضعفاء دارد، پذیرفته نمی‌شود (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۲۷۸/۸). سه) عدم جواز نقل در صورتی که افزون بر نقل از ضعفاء، تدلیس هم کرده باشد (ابن جوزی، ۱۹۶۶: ۱۶۷/۱).
۴. عباراتی نظیر «ثقة فی الحديث»، «ثقة صحیح الحديث».
۵. گفته می‌شود که آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی بر چنین نظریه‌ای پایبند بوده است.
۶. گفتنی است که متن ابو غالب زراری اندکی ابهام دارد؛ چه اینکه به روشنی معلوم نیست آن که فقیه و زاهد بوده، آیا همان فزاری است یا حسین بن علی بن مالک.
۷. این روایت نیز فقهی نیست و توصیه به مردان است که وقتی وسعت رزق یافتید، اثر آن را در خانواده نشان دهید.
۸. کتابی با عنوان «الاستغاثة فی بدع الثلاثة» به ابوالقاسم کوفی نسبت داده شده و در نجف اشرف در دو جلد کم حجم منتشر شده است (حسینی جلالی، ۱۴۲۲: ۱/۳۹۶). علی بن احمد ابوالقاسم کوفی متوفی ۳۵۲ ق است که در منابع رجالی کهن، به غلو در آخر عمر شناسانده شده است. گفتنی است که کتاب الاستغاثه در لیست آثار وی که نجاشی و طوسی گفته‌اند، وجود ندارد. در عین حال عبارت‌های تند نجاشی درباره آثار او سبب کاستی اعتماد به وی و آثارش می‌شود. نجاشی تصریح می‌کند که بیشتر آثار او بر پایه فساد نگاشته شده است (نک: نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۵، ش ۶۹۱؛ طوسی، بی‌تا: ۲۷۱، ش ۳۹۰).
۹. يذكر الغلاة أنه من ارکانهم وقد یروی عنه المناکیر من الغلو (کشی، ۱۳۶۲: ۴۰۸، ش ۷۶۶).
۱۰. روی عنه جماعة غمز فیهم وضعفوا منهم: عمرو بن شمر و مفضل بن صالح و منخل بن جمیل و یوسف بن یعقوب. و کان فی نفسه مختلطاً (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۲۹، ش ۳۳۲).
۱۱. نجاشی درباره کتاب الصلاة حسن بن علی بن فضال می‌نویسد: «یرویہ القمیون خاصة عن علی عن الرضا. فیه نظر» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۶، ش ۷۲).

منابع و مأخذ

۱. ابن بابويه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، **کتاب من لا یحضره الفقیه**، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲. _____ (۱۴۰۵ق)، **کمال الدین و تمام النعمة**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. ابن جوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی (۱۹۶۶م)، **الموضوعات**، تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، المدينة المنورة: المكتبة السلفية.
۴. ابن حبان، محمود ابراهیم زاید (۱۳۹۳ق)، **الثقات**، حیدر آباد: مؤسسة الكتب الثقافية.
۵. _____ (۱۴۱۲ق)، **المجروحین**، بیروت: دارالمعرفة.
۶. ابن عدی، عبد الله (۱۹۸۸م)، **الکامل فی ضعف الرجال**، تحقیق: یحیی مختار غزازی، الطبعة الثانية، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۷. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ق)، **الرجال**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۸. ابن ماکولا، الأمير الحافظ (بی تا)، **الاکمال**، قاهره: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر.
۹. حسینی جلالی، سید محمد حسین (۱۴۲۲ق)، **فهرس التراث**، تحقیق: سید محمد جواد حسینی جلالی، قم: دلیل ما.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، **خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال**، قم: دار الإخائر.
۱۱. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۹۹۷م)، **تاریخ بغداد**، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
۱۲. خویی، سید ابو القاسم (۱۳۶۹ش)، **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة**، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر آثار الشیعة.
۱۳. رازی، ابن أبی حاتم (۱۹۵۲م)، **الجرح والتعديل**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۴. زراری، ابو غالب (۱۴۱۱ق)، **رسالة أبی غالب الزراری**، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، قم: مرکز البحوث والتحقیقات الإسلامية.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶ش)، **العدة فی اصول الفقه**، تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، قم: ستاره.
۱۶. _____ (۱۳۸۱ق)، **الرجال**، نجف: انتشارات حیدریه.



۱۷. _____ (بی تا)، *الفهرست*، نجف: المكتبة المرتضوية.
۱۸. عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد (۱۴۱۸ق)، *الضعفاء*، تحقیق: دکتر عبد المعطی امین قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۹. کشی، ابو عمرو محمد بن عمر (۱۳۶۲ش)، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق: سید مهدی الرجائی، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، *الکافی*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۱. مامقانی، عبدالله (۱۴۲۳ق)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق: محیی الدین المامقانی، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۲. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *رجال النجاشی*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

